

جغرافیای تاریخی بنادر

جزایر خلیج فارس

نمونه:

میرزا محمد ابراهیم کازرونی

به سعی و کوشش: علیرضا ابن رحمان



طبع و نشر: انتشارات

۱۳۹۴

سرشناسه : کاررونی، میرزا محمد ابراهیم
 عنوان و نام پدیدآور : جغرافیای تاریخی بنادر و جزایر خلیج فارس
 مشخصات نشر : تهران: طرح و نشر هامون، ۱۳۹۴ .
 مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.: مصور؛ ۱۷×۲۴ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۵-۳۷-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبای مختصر
 شناسه افزوده : ابن‌رحمان، علیرضا، ۱۳۴۰-، گردآورنده
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۶۶۹۳۳



طرح و نشر هامون

تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، مجتمع فرهنگی فروزنده
 طبقه دوم، واحد ۵۰۴ : تلف : ۶۶۴۹۸۵۱۸ : فکس: ۶۶۴۹۳۹۱۱

جغرافیای تاریخی بنادر و جزایر خلیج فارس

نویسنده: میرزا محمد ابراهیم کاررونی

به سعی و کوشش: علیرضا ابن‌رحمان

ناشر: طرح و نشر هامون

حروف‌نگاری و طرح جلد: ناشر

طرح روی جلد: بندر بوشهر در عصر محمدشاه قاجار

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ مهارت، صحافی اعلایی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۵-۳۷-۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۲۷	در چگونگی بندر محمره [خرمشهر]
۳۵	حقایق‌نگاری بندر معشور [ماهشهر]
۳۶	حقایق‌نگاری هندیان [هندیجان]
۳۹	حقایق‌نگاری بندر دیلم
۴۲	حقایق‌نگاری جزایر که در محاذات معشور و هندیان و دیلم واقع است
۴۴	حقایق‌نگاری بندر گنا و زهاب
۴۶	حقایق‌نگاری بندر ریگ
۴۹	ذکر اوصاف و حقایق بندر مبارک ابوشهر و قراء متعلقه
۵۱	حقایق‌نگاری قلعه بهمن
۵۶	در بیان وضع قلعه ابوشهر و برج و باروی آن
۵۹	در بیان وصف شهر بند و دروازه آن
۵۹	بیان در عدد بیوتات و عمارات آن
۶۰	عدد دکاکین و بازار
۶۲	بیان اجارات بوشهر
۶۳	حقایق‌نگاری رود حله
۶۵	حقایق‌نگاری جزیره خارک
۷۲	جزیره خارکو
۷۴	حقایق‌نگاری صفحه تنگستان
۷۹	حقایق‌نگاری بندر کنگان و مضافات آن
۸۲	حقایق‌نگاری بندر تنبک
۸۴	حقایق‌نگاری بندر طاهری (سیراف)
۸۷	حقایق‌نگاری بندر عسلویه

۸۹.....	حقایق نگاری جزیره بحرین و جزایر متعلق به آن
۱۱۱.....	حقایق نگاری بندر شیو
۱۱۲.....	بندر نخیلوه
۱۱۳.....	بندر جزّه
۱۱۳.....	جزیره شیخ شعیب
۱۱۵.....	حقایق نگاری بندر چيرو
۱۱۶.....	جزیره هندابی
۱۱۶.....	حقایق نگاری بندر قلات
۱۱۷.....	حقایق نگاری بندرچه‌ی جزّه
۱۱۷.....	حقایق نگاری بندر ناونا
۱۱۸.....	حقایق نگاری بندر جزرک
۱۱۹.....	جزیره قیس
۱۲۰.....	حقایق نگاری بندر حسینه
۱۲۱.....	حقایق نگاری بندر مغویه
۱۲۲.....	جزیره فروور
۱۲۲.....	جزیره سری
۱۲۳.....	بندرچه دوان
۱۲۳.....	حقایق نگاری بندر لنگه
۱۲۷.....	حقایق نگاری بندر کنگ
۱۲۹.....	حقایق نگاری بندر خمیر
۱۳۳.....	حقایق نگاری بندر عباسی
۱۳۷.....	جزیره هرمز
۱۳۸.....	جزیره قشم
۱۵۲.....	جزیره لارک
۱۵۲.....	جزیره هنگام
۱۵۲.....	حقایق نگاری بندر میناو

پیش گفتار

این کتاب حاصل سفر میرزا محمد ابراهیم کازرونی به بنادر و جزایر خلیج فارس است، وی شاعر، عارف، پزشک و نویسنده دربار محمد شاه قاجار بوده است، اجداد محمد ابراهیم از سادات عالی مقام کازرون بوده‌اند و خود نیز در این شهر به دنیا آمده است، کازرونی در جوانی به شیراز آمد و به تحصیل علوم پرداخت، علم پزشکی را نزد عمویش میرزا مرتضی معروف به مسیحی‌های زمان و متخلص به مسیح که حکیم باشی دربار شاهان زند بود، فرا گرفت. بنا به گفته رضاقلی خان هدایت، ابراهیم به همراه پدرش به عتبات رفته و چندی نیز در آن ناحیه مشغول فراگیری دانش بودند است. میرزا احسن فسایی به این نکته اشاره نکرده است. کازرونی در سال ۱۲۱۸ ق به همراه محمد نبی‌خان شیرازی متخلص به فطرت که به سفارت ایران در هندوستان منصوب شده بود، به این کشور عزیمت کرد و پس از به دست آوردن ثروت فراوان (احتمالاً در اواخر سال ۱۲۲۱ ق) به شیراز بازگشت.

تاریخ‌نگاری و گزارش‌نویسی می‌کردند، می‌توان تألیف کازرونی را اثری مستند، با ارزش و در خور تعمق و بررسی بیش‌تر دانست.^۱»

نویسنده در چند شهر و دیار هرگاه شاهد بی‌کفایتی و ظلم حکام محلی نسبت به اهالی بوده است بی‌محبا با تیغ قلم بر ظلم ایشان تاخته و وظایف حکومت مرکزی را نسبت به رسیدگی به آن بیدادگری‌ها یادآوری کرده است. یکی از فرازهای جالب کتاب آن جاست که کازرونی هنگامی که در قشم بسر می‌برده است مشاهدات خود را از حرکت ناوگان انگلیسی‌ها برای تسخیر جزیره خارک بیان می‌دارد:

«... در هنگام ورود داعی دوام دولت جاوید مدت قاهره، قرار فرنگان ساکنین باسیدو [باسیدو] اکنون سه فرون [فرون] جهاز در بحر عمان، ساخلو به جهت حفظ ساحل و اقامت در مقابل بر فارس و عمان، و مدعی چاکری دولت ابد مدت کرده بودند، اکنون به [با] ورود داعی در باسیدو چنین ظاهر گردید که هفت فرون جهاز از بندر بمبئی وارد باسیدو [شدند] و سه فرون جهازی که ساخلو در باسیدو بود، برداشته [و] به جهت تسخیر جزیره خارک رفته‌اند... اکنون به تذاویر ناقصه‌ی خود چنین دریافته‌اند که هرگاه در بنادر مملکت فارس اغتشاش و آشوب نمایند، سبب اختلال شوکت ابد مدت قاهره در خراسان می‌گردد...» همانطور که می‌دانیم این حرکت نظامی انگلیسی‌ها در تسخیر جزیره خارک، موجب شد که نیروهای ایرانی از محاصره هرات دست کشیده و به این ترتیب مقدمات جدایی افغانستان از خاک ایران فراهم گردید.

گرچه استاد ارجمند آقای دکتر منوچهر ستوده، تاریخ آغاز سفر کازرونی را ۱۲۵۰ ق دانسته‌اند اما بنده برای آن مدرک مثبتی نیافتم، و آن جا که هنگام ورود به بندر کنگان از سال ۱۲۵۳ تحت عنوان (هذه السنه) یاد می‌کند و در مقدمه کتاب نیز می‌گوید: «منت خدای را که از زمان هجرت سرور آخرالزمان الی زماننا هذا که یکهزار و دویست و پنجاه و سه سال می‌گذرد...» می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ آغاز و خاتمه مغز کازرونی، همان سال ۱۲۵۳ بوده است.

۱. مقاله (شرح سفری از محمره «خرمشهر» تا میناب به قلم - محمد ابراهیم کازرونی) دکتر آمنه ابراهیمی - دکترای تاریخ

کازرونی سفر خود را از محمره (خرمشهر) آغاز کرده و در میناب به پایان رسانده است، اطلاعات او دقیق و به دلیل منحصر به فرد بودن شایان توجه است، لیکن همانند اغلب مأمورین حکومتی آن عصر (قاجار)، در برابر اندک سوءرفتار چندتن از اهالی یک شهر، یا روستا، تمام اهالی را واجد آن صفات نکوهیده می‌شمارد، به‌عنوان مثال پس از بازدید از روستای (جفور) در بحرین می‌نویسد: **(تمام اهل آن قریه، مردمان شریر و شرطلب و فتنه‌انگیز و آشوب سازند)** و با اندکی تفاوت همین موضع را در قبال اهالی دو شهر محمره و معشور در پیش گرفته است. برای رعایت اخلاق و انصاف، این قسمت‌ها را از کتاب حذف و به جای آن نقله چین گذاشتم.

دستور زبان به کار رفته در کتاب همان قاعده مرسوم دوره‌ی قاجاریه است که تقریباً تمام منشیان رنویسندگان آن عصر در نوشته‌های‌شان به کار می‌بردند، جمله‌ها مملو از کلمات را اصطلاحات عربی است که در روزگار ما مهجور و نامأنوس به شمار می‌آیند، برای اسناده راحت‌تر خوانندگان از کتاب، ناچار شدم معنی آن‌ها را در پانویست‌ها بیاورم.

برای آماده‌سازی این کتاب، نسخه خطی «مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک» مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت، لیکن در کنار آن نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز مورد مطالعه واقع و مقدمه کتاب و نسخه کتابخانه موزه ملک فاقد آن بود از آن برداشت شد.

در پایان لازم می‌دانم از روشنگری‌های استاد ارجمند، جناب آقای دکتر منوچهر ستوده، که راهنمایی‌های‌شان چراغ راهم بود سپاس بزرگ و برای آن وجود نازنین آرزوی طول عمر کنم.

همچنین ارج می‌گذارم زحمات جناب آقای مهندس بهرام علاءالدین استاد فروتن و فرهیخته‌ام را که چنان گذشته، و در کارهای دیگر این شاگرد خود، هوشمندانه نکاتی را متذکر شدند.

علیرضا ابن‌رحمان - فروردین ماه ۱۳۹۴

مقدمه

الحمد لله الذي خصّ محمداً بالسلطنة الكبرى و سلّطه سلطاناً على بسيط العنبري و جعله مبعوثاً على كافة الدنيا و تلاطم في لجج معرفته و جلاله سفاين العلوم و افهام الحكماء و تخاطر في قاموس سلطنة و كماله زوارق العقول و اوهام العلماء، حارث في بحار ملكوته عميقات مذاهب شهود العرفا. و الصلوه و السلام على البحر الاعظم و المحيط الاكرم و الصراط الاقوم مد و آله الذين هم سفن النجات و سواحل الرشاد، من تخلف عنها غرق و من تمسك بها نهجى، لاسيما صهره الذي هو احد البحرين الذي يلتقيان و القايم من ذريته المتمكن في جزيرة الخضري اورضوى او ذى طوى او غيرها.

و بعد پس از حمد خداوندی در نخدای قدرت بالغه‌اش فلک^۱ فلک^۲ دوار را به بادبان اراده، در محیط^۳ هستی به جنبش لایزال داشته، معلمان روشن روان ثابت و سیار غلوی^۴ را از پی^۵ به ساحل مراد^۶، نیدن کشتی نشستگان طوفانی چهار موج^۷ دریای تیره و تار آخشيجی^۸ سفلی کما به و زورق سیمین ماه به شرع^۹ شعاع زرین مهر^{۱۰} در محیط نیل قام^{۱۱} سپهر در تعویل و نقار بنادر شمالی و جزایر جنوبی بروج^{۱۲} دوازده گونه اعلام هبوط^{۱۳} و عروج^{۱۴} افلاک^{۱۵}، ز اثر غواصی انوار

۱. کشتی

۲. چرخ، گردون، سپهر

۳. فراگیرنده، احاطه کننده

۴. بالاتر، ضدسفلی، آسمانی

۵. دنبال

۶. هر یک از عناصر چهارگانه

۷. بادبان

۸. خورشید

۹. ماده‌ای است آبی رنگ که از برگ انواع مختلف درختچه‌ی نیل به دست می‌آید

۱۰. جمع برج، به دوازده برج منطقه البروج اشاره دارد.

۱۱. فرود آمدن

۱۲. بالا رفتن، مقابل نزول

فیض آثار زیرین^۱ در لجج^۲ ذی^۳ ثلاث^۴ شعب^۵ زیرین، متفرق و پیریشان گشته. ذرات ممکنات^۶ را از کمون^۷ جمادیت^۸ به کسوت نمایی^۹ نباتی و از مرتبه‌ی بطون^{۱۰} نباتات به منزلت رفیع‌هی حیات بازدارد و پراکندگان اجناس و انواع و افراد هر جنس و نوع و فرد ذرات موجود را از نشر پراکندگی به حشر جمعیت^{۱۱} و زمیندگی زندگی کشاند و ذرات انوار و ظلام^{۱۲} فوق و تحت را به ارض عرفه‌ی^{۱۳} انسانی که قیامت‌گاه عظمی و مرتبه‌ی جمع الجمع^{۱۴} است و به مضمون «یوم الجمع» لیوم الجمع^{۱۵} رساند، تا آن که در آن زمین که مجموعه‌الجمع جمیع است به منوال^{۱۶} «یوم الفضل و ما ادراک یوم الفضل^{۱۷}» حق را از باطل و باطل را از حق جدا نماید. به فحوای «یوم تبلی السرائر^{۱۸}» کمون اشیاء را به جلوه‌گاه بروز کشاند و در آن زمین جنات امین و غبین^{۱۹} را «مالک یوم‌الدین^{۲۰}» رساند و به

۱. مقابل زیرین، فوقانی

۲. عمیق‌ترین نقطه دریا

۳. صاحب، مالک

۴. سه‌گانه

۵. شعبه‌ها

۶. کلیه موجودات عالم

۷. پوشیدگی، پنهانی

۸. بی‌جانی

۹. جامه و پوشاک

۱۰. پوشیدگی

۱۱. برانگیختن

۱۲. تاریکی

۱۳. زمین بلند

۱۴. قیامت، به بقا رسیدن بعد از فنا.

۱۵. بخشی از آیه شریفه‌ی ۹ از سوره‌ی «التغابن» به معنی: روزی که همه شما را در محشر گردآورد.

۱۶. معنی، مضمون

۱۷. سوره‌ی «مراسلات» آیه ۱۴

۱۸. آن روز که رازها فاش شود. «سوره الطارق» آیه ۸۴.

۱۹. کم‌خرد

۲۰. صاحب روز قیامت، سوره الفاتحه، آیه ۴

مصدوقه^۱ «فریق فی الجنه و فریق فی السعیر»^۲ اصحاب^۳ یمین^۴ را مخلد در جنان و اصحاب شمال^۵ را معذب^۶ در نیران^۷ دارد.

تبصره - حضرت انسان که جمع الجمع نهان و عیان و حاوی صورت و معنی کل به مقتضی «حکمت^۸ بالغه^۹» یزدان است، ارض وجود مسعودش ارض عرفه حقیقی است، چنانچه اکمل^{۱۰} نوع بشر و اشرف برگزیدگان خالق اکبر، جلوه‌ی معنی را در نظر ارباب صورت به حکم وجوب^{۱۱} حج بر اصحاب دانش و ارباب بینش مقرر داشت. و ارض عرفه را محل وقوف اهل حاج و زمره‌ی مسلمانان را به وقوف^{۱۲} ارض عرفه محتاج گردانیده، اگر به وقوف آن سرزمین رسیدند و متمتع گردیدند، حاجی شدند^{۱۳} و به مقصود رسیدند، چنان که می‌فرماید: «من ادرک العرفه فقد ادرک الحج^{۱۴}» و در به وقوف عرفات نرسیدند و متمتع نگشتند، مقصود حاصل نمودند.

یک سال تام^{۱۵} دیگر باید معض و مستتهی وقوف آن مقام باشند و سرّ این نکته بر اصحاب دانش و ارباب بینش معلوم و مبهور است که ذرات ممکنات عالم از انوار و ظلم^{۱۶} و بیش و کم در سیر و سفرند از منیر^{۱۷} و مستنیر^{۱۸} و

۱. سخنی که به راستی گفته شده است.

۲. سوره «الشوری، آیه ۷»

۳. یاران

۴. راست

۵. چپ، ضد یمین

۶. عذاب شده، آزار شده

۷. دوزخ

۸. دانایی کامل

۹. کامل‌ترین

۱۰. لازم شدن

۱۱. ایستادن

۱۲. حدیثی از پیامبر اسلام (ص)

۱۳. تمام

۱۴. ظلمت‌ها

۱۵. تابان

۱۶. جوینده نور

مفیض^۱ و مستفیض^۲، و انوار و ظلام و خاص و عام و پخته و خام، احرام^۳ کعبه‌ی عرفه انسانی بسته و از قیدهای مادون و مافوق رسته و به سالکین^۴ طریق این ارض اقدس^۵ و زمین مقدس پیوسته، بعد از شرف وصول این ارض عرفات که ارض عرفه حقیقی و محل وقوف و وصول به مرتبه‌ی کمال جمیع ممکنات غلوی^۶ و سُفلی^۷ است، هرگاه به شرف معرفت خود و خدای خود به مصداق «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۸ رسیدند. نقاب از چهره‌ی شاهد مقصود کشیدند و از سجون^۹ درکات^{۱۰} و «ظلمات سه شاخه»^{۱۱} رستند و به درجات انوار هشت بهشت عدن^{۱۲} پیوستند و الا یک دوره‌ی اعظم مقیم درگاه جهنم^{۱۳} اند چنان که حاجی به سوره^{۱۴}، هرگاه ادراک عرفات نمود، یک سال تمام دیگر سرگشته و معطل وقوف عرفات خواهد بود. بیچاره آدمی بی‌خبر از خود و از خدای خود یک دوره‌ی اعظم گرفتار جهنم^{۱۵} مبتلا به سجن درکات «بئس المصیر»^{۱۶} و مصاحب مار و تنین^{۱۷} سعیر^{۱۸} خواهد بود. آن که به مقتضی کریمه‌ی «ان الله یغفر الذنوب جمیعاً»^{۱۹} بار دیگر باز گرفتار درکات^{۲۰} و درجه‌ی ارض عرفه حقیقی افتد و در آن زمین عرفات به درجات رفیه‌ی معرفت خود و معرفت موجد^{۲۱} و خدای خود

۱. بخشنده

۲. برخوردار

۳. آهنگ حج کردن

۴. روندگان

۵. پاک‌تر

۶. بالاتر

۷. پایین‌تر

۸. حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است «شناخت نفس کلید تمامی معارف الهی است»

۹. زندان‌ها

۱۰. منازل دوزخ

۱۱. این تعبیر در قرآن کریم آمده است و کنایه از سه تاریکی است که برای یونس (ع) پیش آمد، یکی تاریکی

شب، دوم تاریکی شکم ماهی، سوم تاریکی قعر دریا، بعضی دیگر نیز معتقدند که این تعبیر به تاریکی بچه‌دان

و تاریکی شکم مادر و تاریکی رحم اشاره دارد.

۱۲. جاودان

۱۳. سرنوشت بد

۱۴. اژدها

۱۵. آتش‌سوزان

۱۶. از آیات قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۵۳ خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد.

۱۷. ایجادکننده

فایز^۱ آید و ابواب دولت جار^۲، معرفت خود و آفریننده‌ی خود به روی جان گشاید. سبحان الله «جل^۳ شانه» که مرآت^۴ ظهور جمال و آینه‌ی جلوه‌ی جلال خود را به صفا و صقالت^۵ انوار علوی و ظلمت و ثقلت^۶ اجسام و اجساد^۷ سفلی مرتب و ذرات فرازین^۸ و نشیبین^۹ را از روشن و تاریک و دور و نزدیک، کلاً از جمیع کدورات^{۱۰} خاک، پاک و به اوصاف افلاک و انوار ادراک، تابناک ساخته و نقاب از چهره‌ی ما صدق «خلق الله آدم علی صورته^{۱۱}» برانداخته، صورت زیبای آدم را از «کتب عدم^{۱۲}» جلوه‌ی ظهور بخشانید و با خود محرم و همدم و هم‌نفس گردانید تا به فحوائی «ایعوالله و اطیعوالرسول و اولوالامرمنکم^{۱۳}» شخص انسانی که فراهم شده‌ی از هم محبت و پریشانی از نورانی و ظلمانی است، پس از معرفت و شناسایی خود از آغاز تا انجام معرفت موجد خود که ایزد عالم^{۱۴} و هادی خود که معرفت و شناسایی و «شاهد»^{۱۵} «سیر الانام»^{۱۶} که علت ایجاد افلاک و خاک و یگانه گوهر محیط «لولاک^{۱۷}» - «خروشان»^{۱۸} آفتاب «و ما ارسلناک^{۱۹}» و «شهسوار^{۲۰}

۱. رستگار

۲. پناه‌دهنده

۳. بزرگ است جایگاه او

۴. آینه

۵. صیقل کردن

۶. سنگینی

۷. بدان‌ها

۸. بالایی

۹. سرازیری

۱۰. ناپاکی‌ها

۱۱. حدیثی مشهور از پیامبر اکرم است (خداوند آدم را بر صورت خودش آفرید)

۱۲. عالم نیستی

۱۳. سوره مبارکه نساء، آیه ۵۹ - ای ایمان آوردگان خدا را فرمان برید و پیامبرش و صاحبان امر را اطاعت نمایید.

۱۴. بسیار دانا

۱۵. لقب پیامبر اکرم است.

۱۶. اگر تو نبودی، اشاره به حدیث قدسی که خدای تعالی خطاب پیامبر فرموده: «لولاک لما خلقت الافلاک» (اگر تو نبودی آسمان‌ها را نمی‌آفریدم).

۱۷. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷ - (و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین) ما تو را فرستادیم تا رحمتی بر اهل عالم باشی.

۱۸. مراد ستوری است که رسول الله (ص) در شب معراج بر آن نشست و آن کوچک‌تر از شتر و بزرگ‌تر از استر بود.

براق فلک پیمای و یکه تاز عرصه‌ی «لیلة الاسری»^۱ و شاهباز بلندپرواز «مازاغ البصر»^۲ و مظهر «خیرالبشر»^۳ و مظهر «شق القمر»^۴ است.

بیت

محمد [ص]^۵ که او اولین گوهر است ز زیر و زبر گوهرش برتر است.
و متابعت^۶ «غرة ناصیه‌ی»^۷ خلافت و امامت و خورشید آسمان ولایت و کرامت، تابنده آفتاب اوج دانش و بینش و فروزنده‌ی نیر سپهر آفرینش، آن که تیغ ربانیش چون زبان تیغش در اثبات حق و باطل برهانی است قاطع و شمع سناس^۸ مانند، نمان شمعش در اشراق^۹ و احراق^{۱۰} مسکن و خرمن دوست و دشمن، برقرار است لامع^{۱۱}.

بیت

«جل جلاله»^{۱۲} بشر آمد علی [ع]^{۱۳} لیک ز اندازه برآمد علی [ع]^{۱۴}
کلام الله^{۱۵} الناطق، یدالله^{۱۶} السابق، اسد الله^{۱۷} الغالب، علی بن ابی طالب و ذریته^{۱۸} علیه و علیهم السلام الی یوم النبیام.

۱. وعده‌ی شب دیدار حضرت محمد (ص) در قیامت.

۲. به آیه کریمه (مازاغ البصر و ماطغی) اشاره دارد، یعنی آن حضرت در سه معراج در مقام قرب چشمان مبارک خود را به سوی دیگر اشیاء نگردانید و از حکم خداوند نافرمانی نکرد.

۳. لقب حضرت رسول اکرم (ص)، بهترین انسان‌ها

۴. شکافتن ماه، یکی از معجزات پیامبر اکرم (ص) بوده است.

۵. پیروی کردن

۶. آثار بزرگی در پیشانی او پیداست.

۷. نیزه، سرنیزه

۸. روشن شدن

۹. سوختن

۱۰. تابنده

۱۱. بزرگ است جلال و شکوه او

۱۲. از القاب علی (ع)، قرآن ناطق

۱۳. قدرت (دست) خداوند پیروز، از القاب علی (ع)

۱۴. از القاب علی (ع)، شیر پیروزمند خداوند

۱۵. فرزندان